

رفع تجاوز صهیونیست‌ها پیش نیاز استراتژی دفاعی

درموردخلع سلاح حزب‌الله لبنان، سه‌نظرووجوددارد. اولابری‌خ‌ازشخصیت‌هاوجریان‌هایسیاسی‌که‌باتمايلات آمریکاو حتی اسرائیل همنوایی دارند، خواهان تعریف یک مدت‌زمان مشخص برای خلع سلاح مقاومت هستند. حزب «نیروهای لبنانی» و برخی از شخصیت‌ها و فعالان سیاسی وابسته به آن، طرفدار این نظر هستند. نظر دوم مربوط به رئیس‌جمهوری است که درباره منحصرنمودن حمل اسلحه به دست ارتش لبنان و نه خلع سلاح مقاومت، سخن به‌میان آورده است. وی گفته مسأله سلاح مقاومت نیاز به گفت‌وگوی سیاسی با مقاومت دارد و در حال حاضر روابط دولت با مقاومت مثبت‌است،رئیس‌جمهورمی‌گویدهرکاری‌که‌باخشونت جهت خلع سلاح مقاومت انجام گیرد، به بروزجنگ داخلی و نابودی ثبات وامنیت‌کشور منجر می‌گردد.

سومین نظر مربوط به مقاومت و حزب‌الله لبنان است که می‌گوید باور به خلع سلاح مقاومت اصلا مطرح نیست و آنچه که مد نظر است، عبارت از ایجاد استراتژی دفاعی برای حمایت از لبنان است. پیش‌نیاز گفت‌وگو برای تدوین استراتژی دفاعی، عبارت از آزادسازی نقاط اشغال‌شده لبنان از دست صهیونیست‌هاست و همچنین توقف تجاوزات روزمره آنان و نیز توقف عملیات ترور شهروندان لبنان و خاتمه‌یافتن انهدام خانه‌ها و آزادی اسرای لبنانی است. مقاومت، بحث درباره استراتژی دفاعی را به‌این موضوعات ربط می‌دهد و پایه گفت‌وگو را بر مبنای چگونگی توقف تجاوزات صهیونیست‌ها و نه خلع سلاح مقاومت قرار می‌دهد. این سه نظر امروز مطرح است. رئیس‌جمهوری در وضعیت تقابل با مقاومت و سلاح آن قرار ندارد؛ درحالی‌که طرفداران نظر اول در وضعیت تقابل با مقاومت بوده،هرچندکه‌با تغییر اوضاع ناتوان هستند.

یادداشت | حسن‌هانی‌زاده | کارشناس مسائل منطقه

اردیبهشت‌سرفروشت‌ساز برای مذاکرات هسته‌ای

مذاکرات دور سوم ایران و آمریکا در هفته آینده وارد مرحله حساس‌تری خواهد شد. به اعتبار این‌که کمیت‌های کارشناسی برای بررسی مسائل پیچیده فنی در حوزه فعالیت هسته‌ای ایران تشکیل خواهد شد و کارشناسان نشست‌های جداگانه‌ای خواهند داشت. این مسأله نشان می‌دهد که مذاکرات وارد مرحله پیچیده و سختی شده و به‌ر حال، این دیدارها، گفت‌وگوها و مذاکرات برای دستیابی به یک توافق جامع ادامه خواهد یافت. به‌نظر می‌رسد که اردیبهشت، ماهی است که طرفین (ایران و آمریکا) به یک توافق جامع نزدیک خواهند شد. دلیل این امر آن است که به‌نظر می‌رسد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به‌شدت و با حساسیت دنبال یک توافق جامع با ایران است و احتمال می‌رود که در کمترین زمان ممکن، توافق صورت گیرد. تمام داده‌ها و گزارش‌ها نشان می‌دهد که رئیس‌جمهور آمریکا با حساسیت بالا جزئیات مذاکرات را دنبال کرده و خواهان رسیدن به یک توافق است.

دلیل آن هم این است که دونالد ترامپ، استیو ویتکاف (نماینده خود) را برای مدیریت مذاکرات طرف آمریکایی اعزام کرد و مانع از این شد که وزیر خارجه آمریکا (که دارای تبار یهودی و وابسته به لابی صهیونیستی است) در مدار مذاکرات قرار گیرد. این نشان می‌دهد دونالد ترامپ، با توجه به تجربه گذشته خود در خروج از برجام و اعمال تحریم علیه ایران، اکنون درصدد است که اشتباه گذشته خود را جبران کند؛ هم رضایت‌مندی ایران را داشته باشد و هم نگرانی‌های جامعه جهانی پیرامون فعالیت هسته‌ای ایران را برطرف کند.

در گذشته، یکسری امتیازات در برجام به ایران داده شد که حتی همان امتیازات هم عملیاتی نشد. یعنی در حقیقت، آمریکا به تعهدات خود و حتی رویکرد اروپا به توافقات برجام در سال ۲۰۱۵ اعتنایی نکرد و جامعه ایران عملاً آثار مثبت اقتصادی از برجام ۲۰۱۵ مشاهده نکرد. اکنون، با توجه به تجربه ایران، طبیعتاً آمریکایی‌ها تضمین‌های سختی به ایران خواهند داد که به توافقات جدید عمل کنند. از طرف دیگر، آمریکا سعی می‌کند نقش نظارتی بین‌المللی بر فعالیت غنی‌سازی ایران و بازرسی‌های سرزده را تضمین کند. این می‌تواند اطمینان لازم را به جامعه جهانی بدهد که ایران به دنبال استفاده از سلاح هسته‌ای در حوزه فناوری هسته‌ای نیست. در مذاکرات مربوط به تضمین‌های آمریکا برای تهران، چند فرضیه قابل تصور است. ممکن است دارایی‌ها و پول‌های مسدودشده ایران آزاد شوند و تمامی تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۸، هم‌زمان با خروج ترامپ از برجام، اعمال شده (پیش از ۱۸۰۰ مورد)، لغو شود. همچنین، مسأله سرمایه‌گذاری آمریکا و شرکت‌های آمریکایی در ایران مطرح است. اگر توافق‌نامه آینده عملیاتی شود، آثار مثبتی در حوزه اقتصادی ایران خواهد داشت. همچنین، ایران طرف‌های دیگری مانند اتحادیه اروپا، چین و روسیه را برای گرفتن تضمین‌های مهم‌تر از آمریکا وارد معادله خواهد کرد.

حزب‌الله:

ترور شیخ حسین عطوی نقض حاکمیت لبنان است

به نقل از پایگاه خبری العهد، شیخ عبدالمجید عمار، مسئول روابط اسلامی حزب‌الله لبنان گفت: ما جنایت خائنانه و بزدلانه دشمن اسرائیلی در ترور شیخ حسین عطوی از رهبران جماعت اسلامی را محکوم می‌کنیم؛ این جنایت در راستای تداوم قلدری دشمن، نقض حاکمیت لبنان و تضعیف مقاومت صورت گرفت و نشان می‌دهد پروژه مقاومت، واحد و دشمن آن نیز یکی است. شیخ عمار همچنین به نمایندگی از طرف حزب‌الله، شهادت شیخ عطوی را به برادران جماعت اسلامی و خانواده آن شهید تبریک و تسلیت گفت و برای آن شهید رحمت واسعه الهی از خداوند متعال مسالت کرد.



رویای تل‌آویو برای اشغال دائمی غزه

جنگاوری نامنظم بوده و توانایی انسداد کريدورهای انتقال آذوقه صهیونیست‌ها به سواحل غزه را دارا هستند.

انهدام نوار غزه

چند ساعت بعد از آغاز عملیات ارتش اشغالگر قدس، بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در پیامی ویدئویی ادعا کرد اسرائیل در حال «تغییر وضعیت» در غزه است. او حتی از کريدور نظامی جدید اسرائیل با اشاره به نظامیان صهیونیست پرده برداشت؛ این دالان نظامی «موراک» نام داشت. چنین نامگذاری یقیناً برای خشنودی پایگاه ناسیونالیست افراطی نخست‌وزیر استفاده شده، چراکه موراک اسم یکی از شهرک‌های صهیونیستی بین خان‌یونس و گذرگاه رفح پیش از عقب‌نشینی اسرائیلی‌ها در ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۵ (۲۴ شهریور ۱۳۸۴) از باریکه غزه بود.

هدف نظامیان اسرائیلی قطعه‌قطعه کردن منطقه ۲۶۰ کیلومتری نوار غزه به مناطقی مجزا است تا هر منطقه با استفاده از قوای رزمی صهیونیستی نابود شود. تل‌آویو امیدوار است که این راهبرد، آخرین تلاش آنها برای شکست حماس باشد.

برش

شروط غیر قابل قبول!

خلیل الحیه، مذاکره‌کننده ارشد حماس، بنیامین نتانیاھو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را آگاه کرد که پیشنهادی ارائه داده مبنی بر این‌که «شرایط غیرممکنی برای توافقی که نه به پایان جنگ می‌انجامد و نه به خروج کامل نیروها» تعیین کرده است.

بیانیه کاخ سفید

درباره زمان سفر

ترامپ به عربستان

کاخ سفید با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا ۱۳ تا ۱۶ می (۲۳ تا ۲۶ اردیبهشت ماه) به عربستان سعودی، قطر و امارات سفر خواهد کرد.

پیش از این، سفر ترامپ به ریاض و دوحه قطعی شده بود اما سفر به ابوظبی در هاله‌ای از ابهام قرار داشت.

گفتنی است این اولین سفر بین‌المللی او در دوره دوم ریاست جمهوری‌اش است. ترامپ در دور اول ریاست جمهوری خود نیز اولین مقصد سفر خود را ریاض قرار داد و قراردادهای چندین میلیارد دلاری با این کشور امضا کرد.

کنترل شریان‌های حیاتی

بنابر ادعای برخی نظامیان برجسته اسرائیلی، کريدورهای جدید رژیم صهیونیستی جدا از استفاده نظامی، احتمالاً برای مسأله دیگری نیز در دست احداث هستند. از یک ماه گذشته تل‌آویو مسیرهای ارسال کمک‌های خارجی به شهروندان غزه را قطع کرده است.

اسرائیل برای توجیه ممانعت از ورود کمک‌های خارجی ادعا کرد: «حماس مقدار زیادی آذوقه را تحت کنترل دارد.» ارتش صهیونیستی نیت دارد که به محض استقرار مردم غزه در سواحل به‌واسطه کريدورهای نظامی مایحتاج مورد نیاز شهروندان را تامین کند.

این سیاست به‌ظاهر انسان‌دوستانه با دودهدف صورت می‌گیرد؛ ابتدا ایجاد اهرم فشار جدید علیه مردم غزه که با کنترل جریان کمک‌های حیاتی مانند غذا و آب‌سه، جمعیت غزه را تحت کنترل خود درآورد. مورد بعدی، تقلاً برای کاهش مشروعیت حماس به‌عنوان نماینده فلسطینی‌ها در حل‌وفصل نیازهای روزمره است تا با این حربه نقش جنبش حماس در تامین خدمات عمومی غزه را بکاهد.

جنگ در جبهه قلب‌ها

تصمیم‌سازان صهیونیست به‌درستی متوجه شدند که در نزاع متعارف قوای خود با گردان‌های چریکی مقاومت، شانس جهت تثبیت اشغال غزه ندارند، بنابراین جنگ را از ابعاد میدان نبرد به معیشت و مشروعیت کشاندند. نمونه تاریخی معروف چنین استراتژی را فرانسوی‌ها در الجزایر در اواسط قرن نوزدهم پیاده کردند. در گرمای سوزان غرب الجزایر دهه ۱۸۴۰، نیروهای فرانسوی به درکی مشابه با ارتش اشغالگر قدس رسیدند، عبدالقادر الجزایری، رهبر مقاومت با استفاده از تکنیک‌های مشابه با گردان‌های عزالدین قسام، پیروزی کامل را از ژنرال‌های فرانسوی دریغ کرده بود.

بنابراین ارتش فرانسه تحت‌رهبری ژنرال توماس رابرت بوگهود به کوچ‌اجاری مردم روستاها و آتش‌زدن زیرساخت‌های حداقلی معیشتی این جمعیت دست زد و در بلندمدت مردم حامی مقاومت، خود علیه عبدالقادر ایستاده و خواهان تسلیم او به مقامات فرانسوی شدند.

چالش‌های برنامه صهیونیست‌ها

نظامیان اسرائیلی به‌دنبال افزایش تحرک نیروهای خود در برابر زرمندگان حماس هستند اما چند کريدور نظامی که قرار است محموله آذوقه را به سواحل ببرد، به آسانی با حملات گردان‌های عزالدین قسام مختل خواهد شد.

در همین راستا، استقرار طولانی‌مدت مردم غزه در کرانه‌مدیترانه، همرا با سرکوب عزت نفس و هویت آنها، زمینه عضوگیری حماس را ایجاد خواهد کرد که در نتیجه رفتار شبه‌استعماری صهیونیست‌ها، گفت‌مان مقاومت را تقویت می‌کند.

در انتها مسأله انتقال مردم غزه همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد؛ مصر و اردن تمایلی به ورود به بازی تل‌آویو ندارند و حتی دولت قاهره با خرید جنگنده‌های جدید از چین و استقرار نظامیان خود در صحرای سینا، عزم خود را برای مقابله با ایده کوچ‌اجاری صهیونیست‌ها نشان داده است.

گزارش

این اقدامات، نشان‌دهنده تضاد عمیق بین ارزش‌های دموکراتیک و آزادی بیان از یک سو و منافع سیاسی و اقتصادی نظام سلطه از سوی دیگر است.

هاروارد در برابر ترامپ؛ نبرد برای استقلال دانشگاه

دانشگاه هاروارد به عنوان یکی از معتبرترین و ثروتمندترین دانشگاه‌های جهان، با شکایت علیه دولت ترامپ بر سر توقف کمک‌های مالی، به نماد مقاومت دانشگاه‌ها در برابر این فشارها تبدیل شده است. این شکایت، نه تنها به دفاع از استقلال دانشگاه و آزادی بیان مربوط می‌شود، بلکه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوب‌گرانه دولت ترامپ را نیز به چالش می‌کشد.

نبرد هاروارد با دولت ترامپ، نشان‌دهنده تقابل اساسی قدرت دانشگاهی و قدرت سیاسی است. این نبرد، می‌تواند پیامدهای عمیقی برای آینده آموزش عالی و آزادی آکادمیک در آمریکا و سراسر جهان داشته باشد. اگر دانشگاه‌ها بتوانند در برابر فشارهای سیاسی مقاومت و استقلال خود را حفظ کنند، می‌توانند به عنوان نهادهایی برای تفکر انتقادی، تولید دانش و تغییر اجتماعی به ایفای نقش بپردازند. اما اگر دانشگاه‌ها تسلیم فشارهای سیاسی شده و به ابزاری در خدمت نظام سلطه تبدیل شوند، می‌توانند به تضعیف دموکراسی و گسترش نابرابری و بی‌عدالتی کمک کنند.

در نهایت، بحران کنونی در دانشگاه‌های آمریکا، نشان‌دهنده تحولی عمیق در نقش و جایگاه این نهاد در جامعه است. دانشگاه‌ها، از کارخانه‌های نخبه‌سازی جهانی و ابزارهای قدرت نرم، به صحنه نبرد بین نیروهای سیاسی و اجتماعی تبدیل شده‌اند. آینده دانشگاه‌های آمریکا، به چگونگی این نبرد و توانایی دانشگاه‌ها در حفظ استقلال و تعهد خود به حقیقت و عدالت بستگی دارد.



غزه و بازخیزش جنبش دانشجویی

یورش اسرائیل به غزه و کشتار غیرنظامیان، بار دیگر جنبش دانشجویی آمریکا را به پویایی واداشت. دانشجویان و استادان در دانشگاه‌های سراسر کشور، با برگزاری تظاهرات، تحصن و کنفرانس، جنایات اسرائیل در غزه را محکوم کردند و خواستار پایان حمایت آمریکا از این رژیم شدند. این جنبش با الهام از جنبش‌های آزادی‌بخش و عدالت خواهانه در سراسر جهان، به نمادی از مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم تبدیل شده است. با این حال، دولت آمریکا با اعمال فشار بر دانشگاه‌ها، تلاش می‌کند این جنبش را سرکوب کند. دانشگاه‌ها با تهدید به قطع بودجه، اخراج دانشجویان و اعمال محدودیت‌های قانونی، سعی می‌کنند اعتراضات دانشجویی را خفه کنند.

و جایگزینی کمک‌های بلاعوض با وام‌های دانشجویی، ضربه‌ای سنگین به نظام آموزش عالی آمریکا وارد کرد. این اقدام، با سیاست‌های نئولیبرالی توجیه شد که مدعی کاهش دخالت دولت در بازار و افزایش رقابت و کارایی بودند. با این حال، در عمل، کاهش بودجه دانشگاه‌ها منجر به افزایش شهریه‌ها، کاهش کیفیت آموزش و محدود شدن فرصت‌های تحصیلی برای طبقات پایین و متوسط جامعه شد.

علاوه بر این، دولت ریگان با اعمال فشار بر دانشگاه‌ها برای انجام تحقیقاتی که با منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا همسو بودند، تلاش کرد استقلال فکری و آزادی عمل دانشگاهیان را محدود کند. این سیاست‌ها، نشان‌دهنده تلاش برای تبدیل دانشگاه‌ها به ابزاری در خدمت نظام سلطه و سرکوب تفکرات انتقادی و دگراندیشانه بود.

انتقام ریگان و ظهور نئولیبرالیسم

دولت ریگان با مشاهده قدرت و نفوذ جنبش ضد جنگ در دانشگاه‌ها، تصمیم به انتقام گرفت و با کاهش بودجه دانشگاه‌ها